

حقوق مسلمین؛ موسوعه قانونی در ارتباط با مسلمانان شیعی [نکته‌های پژوهشی - ۱۱]

امده کری

ترجمه: محمدرضا رضوان طلب*

چکیده: این گفتار، ترجمه مقدمه امده کری بر ترجمه فرانسوی کتاب شرایع الاسلام محقق حلّی است. کری - که در اواخر قرن ۱۹ میلادی، این ترجمه را به سامان رسانده - در مقدمه خود، به تاریخ فقه و حقوق اسلامی اشاره می‌کند، از جمله: شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی. سپس به تفصیل در مورد شرح حال محقق حلّی و شناسایی کتاب شرایع الاسلام می‌پردازد. نگاه خاصّ برون‌دینی به فقه شیعی را در این گفتار می‌توان یافت. **کلید واژه:** شرایع الاسلام (کتاب) / محقق حلّی / ترجمه متون دینی.

اشاره

بک شرایع الاسلام را مهتین متون فقهی شیعی لطی شته محقق
حلّی (سیل کتون توه و مطاط حلف فقهی بیه و نه

*. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه تهران.

این یک و سل * نقطه لبه کی که و آن زنی سگی و سه
 و زده به زنی و سلی زجه شه و وجم هقی و این
 یک نونه متا زلی شلی با لیگی فن زجه این مته
 هوه هوه

بجز کسانی که خود را وقف مطالعات زبان و تمدن مسلمین کرده‌اند، دیگران بطور غالب از این بی‌اطلاعتند که مسلمانان از یک جنگ حقوقی کامل و گسترده برخوردارند و هم اینکه رساله‌های فقهی آنان، یکی از شاخه‌های مهم ادبیات آنان را تشکیل می‌دهد.

ما پیش از این، قرآن را تنها کتاب حقوقی مسلمین می‌شمردیم و به دلایلی تعجب می‌کردیم که چگونه جوامع پرنفوسی، بدون داشتن مرجع حقوقی دیگر و متکی بر متنی فشرده، پراکنده و حتی دارای برخی از احکام متعارض، می‌توانند وجود داشته و برقرار باشند. قرآن، هسته واقعی حقوق اسلامی است؛ اما فقدان توضیحات و نبود هر نوع گسترشی، کاربرد آن را بسیار مشکل می‌کند؛ اگر آنرا محال ننماید.

از سال‌های پس از دعوت اسلامی، گروندگان جدید، مشاجرات خود را مستقیماً به پیامبر ارائه می‌نمودند و قضاوتی که بنیان‌گذار اسلامی می‌نمود، به دقت توسط یاران نخست ضبط و جمع می‌شد و اینها هسته اولیه جنگی بود که بعد از آن بوسیله تصمیمات قضائی هر یک از دوازده امام بزرگتر می‌شد و با عنوان «احادیث» بر طبق نظر مکتب شیعی، در قالب مجلدات مختلف فقه قدیمی جمع‌آوری گردید. گسترش سریع اسلام در میان ملیتهای متفاوت و از ریشه‌ها و خلقیات گوناگون، نیاز به تلخیص سنت و توحید مبانی کاربردی آن را در تمامی قلمروهای جدید مکتب پدید آورد. فهرست اسامی حقوقدانانی (فقهائی) که از قرن سوم تا هفتم هجری در ارتباط با نگارش فقه و حقوق اسلام شیعی تلاش کردند، بسیار گسترده‌تر از آن است که در این مقدمه ارائه گردد. من به ذکر نام با عظمت‌ترین این دکتراها (مجتهدین) بسنده می‌کنم:

۱. ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان که شاگردان زیادی داشت و به لقب مفید خوانده می شد. این دانشمند در سال ۳۳۳ یا ۳۳۸ متولد شد و در سال ۴۱۳ از دنیا رفت و بیش از دویست اثر را از خود بجا گذاشت.

۲. شیخ محمد الحسن بن علی ابو جعفر الطوسی که به لقب شیخ طائفة امامیه مشهور است (برحسب آخرین عناوینی که در آثار اخیرش که من آن را ترجمه کرده ام به این نام معرفی شده است) این دکتر از سال ۳۸۵ تا ۴۶۰ می زیسته است. او از درخشنده ترین شاگردان شیخ مفید بوده است؛ وی آثار فراوانی را از خود باقی نهاده که سرآمد آثار شیعی، در هر جا که تفکر شیعه وجود داشته، بوده اند. در میان تمامی آثار، ذکر نام کتاب استبصار، خلاف و وفاق، النهایه فی بحر الفقه و الفقاهه و در پایان کتاب المبسوط را لازم می دانم. کتابهایی که حداقل در بردارنده ۸۱ شرح و تفسیر است.

۳. همچنین یادآوری می کنیم از جناب سید مرتضی ابوالقاسم علی بن ابی احمد الحسینی که با نام علم الهدی شناخته شده است (یعنی پرچم طریق نجات) او نیز شاگرد شیخ مفید بود. در سال ۳۵۵ به دنیا آمد و در سال ۴۳۶ از دنیا رفت و سرمایه ای عظیم را به جای نهاد. تعداد قابل توجهی کتاب و اشعار و کلکسیون (مجموعه) هشتاد هزار دستنوشته.

۴. نویسنده یا شارح کتابی که من آن را ترجمه کرده ام شیخ نجم الدین ابوالقاسم جعفر بن علی یحیی با لقب محقق که حائز رتبه ای ویژه در میان این مفسران حقوق اسلامی است. از بیت مشهور فقاهت پدید آمد و در حله بالای فرات در سال ۶۰۲ هجری متولد گردید. او به عنوانی جدید، به دلیل دانش، روح و معرفت گسترده اش دست یافت. زیرا او همزمان یک حقوقدان، یک خطیب، یک معلم اخلاق، یک شاعر و یک نویسنده بود. نقل کرده اند که خواجه نصیرالدین طوسی منجم معروف و وزیر هلاکوخان که پادشاه را در حوادث بغداد همراهی می کرد، به شرکت در درسهای محقق مفتخر بود و نمی خواست جایگزین وی در عرصه استادی شود؛ در شرایطی که به عنوان احترام، برای تکیه زدن بر کرسی درس، به جای وی دعوت

شده بود. محقق نقش عظمت و استادی خود را تا سال ۶۷۶ ایفاء کرد. سالی که وی به سبب سقوط از تراس خانه اش از دنیا رفت؛ او در نجف، در کنار حرم امام علی علیه السلام مدفون گشت و جماعتی عظیم در تشییع جنازه اش شرکت کردند. این دانشمند تحت عنوان «النافع» یک کتاب مرجع و فشرده‌ای نوشت که شامل تفاسیر دینی در ارتباط با کتاب البیع نه‌ایه شیخ طوسی، سلف نامی اش بود. او همچنین نگارنده مباحثی در مورد اصول اعتقادات، احکام اسلامی اسلام، پایه‌های حقوق، منطق و فقه اللغه می‌باشد و چند کتاب شعر نیز باقی‌گذارده است. اما عنوان اصلی شایستگی و تکریم او از دیدگاه همکیشانش، تدوین قانون شیعی است که با عنوان «شرائع الاسلام، فی مسائل الحلال و الحرام» در هر کجا که قلمرو عقیده امامیه تلقی می‌گردد، خصوصاً در ایران، پذیرفته و محکم شده است.

این اثر به چهار قسمت تقسیم می‌شود. بخش اول از تکالیف دینی بحث می‌کند و بخش دوم از پیمانها و تعهدات طرفینی (عقود)، بخش سوم از کنشهای یکطرفی (ایقاعات) و بخش چهارم شامل مباحث راجع به شکار، خوردنیها و غیره می‌شود و از کیفرهای قابل اجراء، جنایتها و جرمها از دو دیدگاه حقوق دینی و حقوق اجتماعی بحث می‌نماید. تمییز میان بخشهای مختلف این کتاب، آن مقدار که تشخیص فصول کتب حقوقی فرانسوی دشوار است، سخت نیست. اما معتقدم که نباید از طرحی که توسط نویسنده دنبال شده، منحرف شوم تا رجوع به متن آسان باشد.

نواقص عمده متون حقوق مسلمین را جز در ریشه این متون نباید جستجو کرد. یعنی ناهماهنگی که گاه در متن قانون و گاه در بکارگیری آن وجود دارد. این ناهماهنگی‌ها در تصمیمات مختلف امامان در مسائل متشابه تولد یافته است.^۱ گاهی سنتی که حاوی قضاوت‌های متناقض هستند، از نظر رسمیت و قانونی بودن

۱. عمده خاورشناسان منشأ حقوق را خاستگاه بشری می‌دانند؛ در حالی که خاستگاه فقه اسلامی، وحیانی و برخاسته از روایات معصومین علیهم السلام است. بدین روی، زبان و منطق خاص خود را دارد؛ از جمله، چنانکه در عبارات بعدی نویسنده نیز اشاره شده است، چنین تصمیماتی بازگشت به شرایطی دارد که امامان علیهم السلام احساس می‌کردند و ایجاد می‌کرده که حکمی را در پوشش تقیه مطرح کنند؛ محدثان از این شرایط به «جهت صدور» حدیث تعبیر می‌کنند.

در درجه مساوی قرار دارند. گاهی از جهت اعتمادی که راوی ایجاد می‌کند، مورد شک قرار می‌گیرند؛ این تردید یا از جهت اعتدال ایمانی و یا به دلیل ارتباط فکری با ملحدین است. در چنین صورت قبلی، اگر تشکیک در مورد صحّت روایت ممکن نباشد و همانگونه که بارها اتفاق افتاده که روایت، حاوی مضمون خلاف عدل بوده است، این بیانگر آن است که امام در پرتو عصمت خود، چنین حکمی را به دلایلی خاص صادر کرده که آن دلائل نباید الزاماً بیان شوند. اما این قضاوت، عنوان مسئله قبلی و قضاوت پیشین را ندارد [عناوین ثانویه]. این کاستی غیرقابل علاج نیست. کافی است که هیأتی، ناهماهنگی را کاهش دهند و متون و مقالاتی را که پاسخگوی نیاز جامعه جدید نیستند، حذف نمایند. بدینگونه ما می‌توانیم نابرابری حقوقی بین قانون اسلامی و قانون سایر ادیان را برطرف نمائیم.

به هر حال در طول یک اقامت ۲۵ ساله در ترکیه و ایران ابتدا چون یک گردشگر و سپس به عنوان یک مسؤول دفتر سفارت فرانسه در تهران، من از مشکلاتی که به دلیل آشنایی ناکامل نمایندگان و مأموران اروپائی از قانون مسلمانان رخ می‌نمود، متأثر بودم. این مشکلات به ویژه حساس می‌شوند، وقتی که بین اروپائی و مردم بومی به وجود می‌آیند؛ این یکی از موضوعاتی است که در پی معاهدات، باید به وسیله دادگاههای مشترک کشورها مورد قضاوت قرار گیرد. در ترکیه، این دادگاههای مختلف در نقطه نامناسبی محدود شده است؛ اما در سرزمین فارس که دیوان عدلی (برای خارجیان) وجود ندارد و منازعات آنان در آنجا همواره به وزارت امور خارجه ارجاع می‌شده است، مکرراً اتفاق افتاده که مأموران اروپائی، متحمل زحمات زیاد شده‌اند تا آنکه یک مسئله و مشکل را براساس قانون اسلامی مورد بحث قرار دهند یا برطرف نمایند.

تمایل به برطرف کردن چنین خلاء مهمی، مرا وادار به مبادرت به چنین کاری کرد که امید دارم ناکارآمد برای همکیشانم نباشد. و کسانی که می‌خواهند از منافع هموطنان خود در آسیا دفاع نمایند، از آن بهره‌گیرند. اقامت من در تهران به من اجازه داد که از کتابهای ویژه‌ای همچون مفتاح الکرامه در چهار جلدی قطع رحلی

بهره‌برداری نمایم. همچنین از کتاب مسالک الافهام در دو جلد رحلی و از کتاب مجمع البحرین به عنوان فرهنگ فقهی و سایر کتب. تمامی این کتابها مضافاً بر اثر ارزشمندی که در نظام مدرسی شرق باقی می‌گذارند، از جهت وفور و تنوع قابل ملاحظه هستند. این منابع به من بیش از میزان مشخص و قابل بیان یاری کردند. من از مساعدتهای حقوقدانان تهران استفاده‌هایی کردم که بدون کمک آن روشن کردن مبهمات ویژه متون، برایم ناممکن بود.

به خود اجازه می‌دهم که در اینجا صمیمانه‌ترین تشکرات خود را به آقای مهل عضو مؤسسه و استاد زبان فارسی کالج فرانسه تقدیم نمایم. این دانشمند برجسته که بیشترین کارهای او در زمینه زبان فارسی است، پس از بررسی عمیق کتاب من، نکات ضعف آنرا یادآوری و مشاوره‌هایی به من برای بازنگری کامل آن را ارائه نمود. بر اثر جمع‌بندی متناسب گزارش آقای مهل که کمیته چاپ مجانی و دیارتمان امور خارجه، چاپ این کتاب را با یک آزادی که من افتخار دارم، بدان آشکارا اعتراف نمایم، تأیید کرد. به همین میزان نیز از دوست دانشمند خودم آقای «باریه» استاد مدرسه زبانهای شرقی تشکر می‌نمایم. او که داوطلبانه تصحیح نسخه اول چاپ را به عهده گرفت و چاپ کتاب را مدیریت نمود. بدون وساطت دوستانه و همکاری داوطلبانه او، این اثر احتمالاً با تأخیرات فراوانی مواجه می‌شد. باشد که این اثر با استقبال خوبی از سوی عموم دانشمندان هم کالج من که هدف ویژه این کتاب هستند، مواجه گردد.